

## درس شانزدهم:

نام	معرفی	آثار	سایر
اقبال لاهوری	۱۳۱۷، ۱۲۵۶	اسرار خودی یکی از کتب معروف اقبال لاهوری است.	شاعر، فیلسوف، سیاست‌مدار و متفکر مسلمان پاکستانی بود که اشعار زیادی نیز به زبان‌های فارسی و اردو سروده است.
ویکتور هوگو	(۱۸۰۲، ۱۸۸۵) قرن نوزدهم فرانسه	بینوایان، گوژپشت نتردام، کارگران دریا، مردی که می‌خندد	مشهورترین شاعر رمانتیک/ در ردیف بزرگ‌ترین گویندگان و ادبای جهان/ آزادمنش و آزادی خواه و طرفدار جدی اصلاحات اجتماعی به نفع طبقات محروم و رنجبر

## ساختمان واژه

از نظر ساخت، واژه‌ها را می‌توان به دو نوع زیر تقسیم کرد:

۱. **اسم ساده:** اسمی که فقط از یک جزء معنادار ساخته شده باشد: گوسفند، خانه، فرهنگ، بیابان، خوش، هوا، گنجشک،

ابریشم

۲. **اسم غیر ساده:** اسمی که بیش از یک جزء معنادار دارد و می‌توانیم آن‌ها را به دو یا چند بخش تقسیم کنیم: کتاب خانه،

قلم تراش، کارکرد،

اسم غیر ساده نیز به سه نوع تقسیم می‌شود: اسم مشتق (وندی)، اسم مرکب، اسم مشتق \_ مرکب

۱. **اسم مشتق:** اسمی که در ساختمان آن یک جزء معنادار و یک جزء معناساز (معنی را عوض کند) وجود داشته باشد

در کلمات مشتق اگر جزء بی معنی قبل از جزء معنی دار باشد، پیشوند و اگر بعد از آن باشد پسوند نامیده می‌شود. در زیر به

مهم‌ترین پیشوند‌ها و پسوند‌های مشتق ساز اشاره می‌شود.

**مثال:** دانشمند، رفتن، گفتار، آمیزه، دردمند، خوبی، کمانک، بهاره

نکته: بن ماضی یا مضارع تکواژ معنادار هستند. بسیاری از این کلمات به نوعی ظاهری گمراه کننده دارند. دانش‌آموزان بیشتر به دلیل کم کاربرد بودن «بن مضارع» ساختار آنها را خوب تشخیص نمی دهند: روان=رو+ان زیبا=زیب+ا رفتار=رفت+ار بیننده=بین+نده

تکواژهای «معناساز» یا «وندها» می‌توانند بیش از یکی باشند. (دانشمندان=دان+ش+مند+ان)

\*منظور از معناساز تکواژهایی هستند که به تنهایی کاربرد مستقلی ندارند و باید به تکواژهای دیگری بچسبند تا قابل کاربرد شوند. مانند: «ها» نشانه جمع یا «گر، مند، ار، ا، بی و ...» در «کارگر، کارمند، رفتار، دانا، بی ادب و ...» به این تکواژها «وند» گفته می‌شود.

انواع وند: وندها بر اساس جایگاه قرار گرفتن در کنار جزء معنادار به سه دسته تقسیم می‌شوند. ۱- پیشوند ۲- میانوند ۳- پسوند

۱. **پیشوند:** قبل از جزء معنادار می‌آیند و در رسم الخط فارسی بهتر است به جزء معنادار متصل نباشند.

(با = با ادب ، باهنر ، باهوش ، با نشاط)، (بی = بی سواد ، بی هوش ، بی هنر ، بی ادب)، (نا = ناشکر، ناشناس ، نادان ، نا فرمان ، نا اهل)، (هم = هم-دل ، هم-راه ، هم-خانواده ، هم-وطن)، (ن = نشکن، نسوز)، (وا = وادار، واکنش)

۲. **میانوند:** بین دو تکواژ معنادار می‌آیند. مهمترین میان وندها عبارتند از: (ا = گوناگون ، سراسر ، برابر ، رنگارنگ ، سراپا ،

دوشادوش)، (و = پیچ و تاب ، کم و بیش ، چون و چرا ، زدو خورد ، رفت و آمد)، (به = پا به پا ، دست به دست ، شانه به

شانه ، نو به نو ، خود به خود)، (تا = سرتاسر ، گوش تا گوش)، (وا = جورواجور)

\* میانوندها همیشه بین دو جزء معنادار می‌آیند و واژه مشتق، مرکب می‌سازند.

۳. **پسوند:** این وندها پس از واژه معنادار می‌آیند و اغلب به جزء معنادار متصل هستند.

پسوندهای مکان: ان: باختران ، خاوران / دان: گلدان ، نمکدان / زار: نمک زار ، علف زار / سار: کوهسار ، چشمه سار / ستان: گلستان،

بلوچستان / سیر: گرمسیر ، سردسیر / کده: دانشکده ، دهکده

پسوندهای زمان: ان: بهاران، بامدادان / گاه: سحرگاه، صبحگاه

پسوندهای تصغیر: چه: دفترچه، باغچه / پسوند ک: پسرک، شهرک

پسوندهای دارندگی یا مالکیت: ور: هنرور، پهناور، سخنور / مند: ثروتمند، هنرمند / وار: امیدوار، دھوار، سوگوار

پسوندهای شباهت: آسا: رعد آسا، برق آسا/ وش: پریش، مهوش/ ین: آهنین، زرین، پشمین، رنگین

پسوندهای نشانه جمع: ها، ان، ات، ون، ین

پسوندهای صفت تفضیلی و عالی: تر، ترین

سایر پسوندها: که بعضی صفت ساز هستند و بعضی اسم ساز: ه: سفیده، زرده، دیده، اندیشه، دندان، دسته

(گین): غمگین، شرمگین/ (اومند): برومند، تنومند/ (ناک): غمناک، ترسناک، وحشتناک/ (انه): مردانه، زنانه، صبحانه/ (انی):

نورانی، روحانی/ (چی): تلفن چی، درشکه چی، پستیچی/ (گان): دهگان، مهرگان/ (گانه): جداگانه، دوگانه/ (گون): نیلگون،

گلگون/ (فام): سرخ فام، گلفام/ (دیس): تندیس، گلدیس، طاق‌دیس/ (نده): گوینده، شنونده، رونده/ (ار): پرستار، خریدار، دیدار

(گر): توانگر، آهنگر، زرگر/ (گار): آموزگار، پرهیزگار/ (ینه): زرینه، پشمینه/ (ا): بینا، دانا، کوشا، جویا/ (ان): خندان، گریان، روان

**۲. مرکب:** حداقل از دو تکواژ (دو بخش) که همه معنادار باشند ساخته شده اند.

**مثال:** گلاب، دل‌پذیر، کارخانه، جوان‌مرد، دادستان، سخندان

نکته:

\*در واژه‌های مرکب «وند» وجود ندارد.

\*\* این واژه‌ها ممکن است که بیش از دو تکواژ معنادار داشته باشند. **مثال:** خویشتن‌شناس، گلاب‌گیر

\*\*\* در ساختار «واژه‌های مرکب» کلمه جدید باید از نظر معنی با اجزای سازنده خود تناسب و وابستگی معنایی داشته باشند.

مثلاً «گلاب» با اجزای خود (گل+ آب) از نظر معنی همخوانی دارد پس مرکب است؛ ولی «جوراب» گرچه به نظر می‌آید که از دو

بخش «جور+ آب» تشکیل شده است؛ ولی چون از نظر معنایی هیچگونه تناسبی با اجزای خود ندارد پس مرکب نسبی یا کلماتی

مانند: اسفندیار، آسمان، نزدیک

**۳. مشتق\_مرکب:** این کلمات ویژگی‌های مشتق و مرکب را با هم دارند.

**مثل:** دانشجو، نوسازی، آبمیوه‌گیری، هیچ‌کاره، خودشناسی، پرس و جو

\* این واژه‌ها حداقل باید دو تکواژ معنادار و یک وند داشته باشند.

